



Est.1994

# JCL

**Journal of the College of Languages**  
An Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal

<https://jcolang.uobaghdad.edu.iq>

P-ISSN: 2074-9279  
E-ISSN: 2520-3517  
No. (51)2025  
PP.317-338

## **Evaluation of the khutba of Motaqin Nahj al-Balagha based on the theory of Garces (Case study: Dashti's translation of this sermon)**

<sup>1</sup>Ezzat Molla Ebrahimi, <sup>2</sup> Fatemeh Rashidi Ravandi, (M.A.Candidate)

<sup>1,2</sup>Department of Arabic Language and Literature, College of Arts and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran

**Corresponding Author:** [mebrahim@ut.ac.ir](mailto:mebrahim@ut.ac.ir)

(Received on 13/10/2024 - Accepted on 17/11/2024 - Published on 2/1/2025)

DOI: <https://doi.org/10.36586/jcl.2.2025.0.51.0317>



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

### **Abstract**

Nahj al-Balagheh is one of the valuable religious texts, which has always been the focus of Iranian translators due to its deep concepts, and because of its high literary level, it has faced translators with challenges. It is obvious that in the translation process, in addition to the linguistic factors of the text, the context-oriented metatext elements also play an important role. Among the metatextual elements investigated in the field of translation studies are the cultural and ideological elements that are implied in the text of Nahj al-Balagha. Since the model of Carmen Garces is considered one of the most important models in the evaluation of translation quality, the present research aims to first introduce the principles and foundations of this model using the descriptive-analytical method and using the model proposed in the Garces theory. , then analyze and evaluate Dashti's translation of the sermon of Mutaqeen Nahj al-Balagheh using this approach and analyze the quality and manner of transferring metatextual elements such as culture and ideology from the source language and its representation in the target

language by the translator in this sermon. The results of this research show that the translator considered the target language in translation and tried to make the source text fluent and the cultural and ideological elements comprehensible to the Iranian audience with effective strategies such as syntactic change and semantic expansion and change of perspective. to give On the other hand, avoid factors that have a negative impact on translation, such as inappropriate expression in the target text, maintaining the specific structure of the source text, changing the tone, and removing the meaning of the original text. Therefore, it can be said that Dashti's translation of Motaqin's sermon is a destination-oriented translation with relatively good quality.

**Key words:** translation, Nahj al-Balagha, Khutbah Motaqeen, Garces theory, Dashti.

### ارزیابی خطبه متقین نهج البلاغه بر اساس نظریه گارسس (مطالعه موردی: ترجمه دشتی از این خطبه)

#### چکیده

نهج البلاغه از جمله متونی ارزشمند دینی است که به دلیل مفاهیم عمیق آن همواره مورد توجه مترجمان ایرانی بوده و به دلیل برخورداری از سطح ادبی بالا، مترجمان را با چالش‌هایی مواجه کرده است. بدیهی است که در فرآیند ترجمه افزون بر عوامل زبانشناختی متن عناصر فرامتنی بافت محور نیز نقش مهمی دارد. از جمله عناصر فرامتنی مورد بررسی در وادی مطالعات ترجمه عناصر فرهنگی و ایدئولوژیکی است که در متن نهج البلاغه به صورت ضمنی نمود دارد. از آنجا که الگوی کارمن گارسس، یکی از مهم‌ترین مدل‌ها در باب ارزیابی کیفیت ترجمه محسوب می‌شود، پژوهش حاضر بر آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از الگوی مطرح شده در نظریه گارسس، ابتدا اصول و مبانی این الگو را معرفی کند، سپس به تحلیل و ارزیابی ترجمه دشتی از خطبه متقین نهج البلاغه با استفاده از این رویکرد بپردازد و چگونگی و کیفیت انتقال عناصر فرامتنی همچون فرهنگ و ایدئولوژی از زبان مبدأ و بازنمایی آن در زبان مقصد را توسط مترجم در این خطبه مورد واکاوی قرار دهد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که مترجم در ترجمه زبان مقصد را مد نظر قرار داده و سعی داشته با راهکارهای موثری چون تغییر نحوی و بسط معنایی و تغییر دیدگاه، متن مبدأ را روان و عناصر فرهنگی و ایدئولوژیکی را قابل فهم برای مخاطب ایرانی قرار دهد. از سوی دیگر نیز از عواملی که بار منفی در ترجمه دارد، همچون بیان نامناسب در متن مقصد، حفظ ساختار خاص متن مبدأ، تغییر لحن، حذف منظور متن

اصلی دوری بجوید. از این رو می‌توان گفت که ترجمه دشتی از خطبه متقین یک ترجمه مقصدگرا و با کیفیت نسبتاً خوبی است.

**کلید واژگان:** ترجمه، نهج البلاغه، خطبه متقین، نظریه گارسس، دشتی.

### 1. مقدمه

بعد از متن مقدس قرآن کریم که معجزه‌ای جاویدان است و احدی یارای هموردی با آن را ندارد، باید از کتاب شریف نهج البلاغه به عنوان متن دینی ارزنده‌ای نام برد که به پیروی از مفاهیم والای فرهنگ قرآنی، در اوج فصاحت، بلاغت و شگفتی بیان نوشته شده است. بدیهی است که ترجمه چنین متنی ممکن است مترجمان فارسی زبان را با چالش‌های متعددی روبرو کند. لذا مترجم متن نهج البلاغه باید از مهارت کافی در انتقال معنا از زبان مبدأ به زبان مقصد برخوردار باشد و ساختارهای ادبی، فرهنگی و ایدئولوژیکی متفاوت متن نهج البلاغه را بداند تا ترجمه او برای مخاطبان ایرانی مفید فایده باشد. در عصر حاضر نظریه‌های متعددی برای کیفیت سنجی ترجمه‌ها مطرح شده است که با ارائه چارچوب‌ها و شاخص‌های متعددی به نقد و ارزیابی ترجمه متون مختلف همت می‌گمارد. زیرا در واقع «ترجمه به عنوان پلی بین زبان و فرهنگ مبدأ و مقصد نقش آفرینی می‌کند» (افضلی و دیگران، 2024: 192) (Afzali, Ali and Rahim al-Atabi and Akram Madani, 2024: 192). از جمله نظریه‌های ارزیابی ترجمه می‌توان به نظریه یاکوپسن، نیومارک، لارسن و غیره اشاره کرد و یا از رویکرد نقش‌محور و نظریه اسکوپوس نام برد. از دیگر الگوهای مهمی که به منظور ارزیابی کیفیت ترجمه مطرح می‌شود، مدل پیشنهادی کارمن گارسس (1994) است. وی به جوانب مختلف علم ترجمه توجه دارد و می‌کوشد تا رویکردهای زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان معاصر را مدنظر قرار دهد و متن را از ابعاد مختلف متنی و فرامتنی واکاوی کند. نظریه گارسس مشتمل بر سطوح مختلفی است که عبارتند از: سطح معنایی- لغوی<sup>1</sup>، سطح نحوی- واژه ساختی<sup>2</sup>، سطح گفتمانی- کارکردی<sup>3</sup>، سطح سبکی- عملی<sup>4</sup>. هر یک از این سطوح چهارگانه، از مولفه‌ها و زیرمجموعه‌های متمایزی تشکیل شده‌اند.

### 1-2. سؤال پژوهش

نگارندگان در جستار حاضر سعی دارند تا کیفیت ترجمه دشتی از متن خطبه متقین را بر اساس الگوی گارسس ارزیابی کنند و به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

1. کیفیت ترجمه دشتی از خطبه متقین چگونه ارزیابی می‌شود؟
2. کدام یک از زیرمجموعه‌های الگوی گارسس در ترجمه نهج البلاغه کارایی بیشتری داشته است؟

1. Semantic-lexical

2. Syntactic-morphological

3. discursive- functional

4. stylistic-pragmatic

### 3-1. پیشینه پژوهش

نهج البلاغه از جمله متون مقدس دینی است که همواره مورد توجه محققان بی‌شماری بوده و از جوانب مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بدیهی است که ذکر همه این مطالعات گسترده، در این مجال محدود نمی‌گنجد. از این رو در پژوهش حاضر تنها به نقد و ارزیابی تحقیقاتی از این اثر گران‌سنگ که بر اساس نظریه گارسس انجام شده است، اشاره می‌شود:

1. مهین حاجی‌زاده و دیگران (2019) در مقاله «نقد و ارزیابی ترجمه محمد دشتی از نهج البلاغه بر اساس مدل گارسس (مطالعه موردی: ترجمه خطبه اول و حکمت‌های 2 تا 20)»، به بررسی کیفی ترجمه دشتی پرداخته و ترجمه او را دارای معیار مقبولیت و کیفیت بالا دانسته‌اند.
  2. عیسی متقی‌زاده و دیگران (2021) در مقاله «ارزیابی کیفیت ترجمه حکمت‌های نهج البلاغه با تکیه بر مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی ترجمه شهیدی و دشتی)»، محققان با تطبیق نظریه گارسس بر دو ترجمه دشتی و شهیدی از حکمت‌های نهج البلاغه، به این نتیجه رسیده‌اند که ترجمه شهیدی، مقصدگراتر از ترجمه دشتی است و در سطوح اول، سوم و چهارم، ویژگی‌های مثبت بیشتر و ویژگی‌های منفی کمتری دارد. اما در سطح دوم، ویژگی‌های هر دو ترجمه یکسان است. به نظر آنان ترجمه شهیدی از کفایت و مقبولیت بیشتری برخوردار است. با این همه هر دو ترجمه در سطح چهارم، نیازمند بازنگری هستند.
- بررسی‌های انجام شده توسط نگارندگان نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی ترجمه دشتی از خطبه متقین نهج البلاغه را با رویکرد گارسس مورد ارزیابی قرار نداده است.

### 2. چارچوب نظری

از میان الگوهای مطرح شده برای بررسی کیفیت ترجمه، الگوی گارسس به عنوان یکی از مهمترین الگوهای کیفیت سنجی مطرح است. هدف از مدل کیفی گارسس آن است که «جنبه‌های زبانی و ادبی را به هم ربط دهد و یک اثر ادبی را به عنوان عملکردی ارتباطی در نظر بگیرد که از یک نظام زبانی استفاده می‌کند و در پایان، هر دو جنبه را به ترجمه و مشکلاتی که پیرامون آن وجود دارد، متصل سازد. از همین رو ناقد ترجمه می‌تواند با به کارگیری الگوی گارسس ابعاد گوناگون زبانی و فرازبانی را بررسی کند (رحیمی آذین، 2020) (Rahimi Azin, 2020).

از آنجایی که عموماً مخاطب متن اصلی غیر از مخاطب متن مقصد است و از فرهنگ متمایزی برخوردار است، فرهنگ‌زدایی از متن مبدأ یا انتقال فرهنگ زبان مبدأ به زبان مقصد، امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد (مختاری، 2007) (Mokhtari Ardekani, 2007)

لذا گارسس معتقد است در جستجوی تشابه بین متن مبدأ و مقصد چهار سطح باید در نظر گرفته شود. «سطوحی که در تمام روند ترجمه با هم در ارتباطند و به گفته او گاه با هم تداخل پیدا می‌کنند» (مختاری، 1997، ص 50) (Mokhtari Ardekani, 1997, p.50)

بیشتر نویسندگان به روندی توجه می‌کنند که مترجم باید طی کند تا متنی معادل تولید کند.

ولی همه آنها متن مقصد را در نظر نمی‌گیرند و گاه خواننده را به فراموشی می‌سپارند. این منصفانه است که از یک منتقد توقع داشته باشیم که همان رویکردی را نسبت به متن مبدأ اتخاذ کند که مترجم انتخاب کرده تا بتواند به شکلی صحیح، شایستگی‌های آن را در متن مقصد ارزیابی کند (هاشمی، 2019) (Hashemi, 2019)

بر این اساس گارسس برای مقایسه شباهت‌های میان متن مبدأ و ترجمه، چهار سطح پیشنهاد می‌کند که این سطوح در دو بخش کلی قابل ارزیابی است:

1. سطح درونی

2. سطح بیرونی

سطح درونی به نویسنده، بافت موقعیتی و آثار ادبی او و سایر شرایط محتمل اجتماعی - فرهنگی وی توجه می‌کند. این سطح به محقق امکان می‌دهد تا ثبات روش‌شناختی ایجاد کند؛ یعنی یک ساختار فرضیه‌ای حاکم بر برخی جنبه‌های زبان مبدأ که به عنوان فاکتور واسطه برای مقایسه زبان مبدأ و مقصد مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما در مقابل سطح بیرونی یک آزمون مقایسه‌ای جامع از ترجمه‌های مختلف نه تنها در مقایسه با زبان مبدأ، بلکه بین خود ترجمه‌ها فراهم می‌کند (هاشمی، 2019) (Hashemi, 2019)



نمودار 1-1: الگوی گارسس (نیازی و قاسمی اصل، 2018، ص 126-137) (Niazi & Qasemi Asl, 2018, p.126-137)

## 3. داده‌های اصلی پژوهش

## 3-1. سطح معنایی - لغوی

3-1-1. ترجمه لغت بر حسب اختلافات فرهنگی، فنی، زبانی: در این نوع از ترجمه، یک واژه به دلایل مختلف در زبان مقصد به صورت عبارات اسمی یا شبه جمله معادل‌یابی می‌شود و اطلاعاتی که بر حسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی بین مخاطب اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند، به تعریف لغت اضافه می‌شود (نیازی و قاسمی اصل، 2018) (Niazi & Qasemi Asl, 2018).

به عبارت دیگر این ترجمه می‌تواند به صورت تعریف باشد و یا توضیح؛ تعریف معادل‌یابی است که به شیوه‌های مختلف از جمله: اسم، عبارات اسمی و شبه جمله صفتی در ترجمه صورت می‌گیرد و نیاز به توضیح به صورت شیوه‌های گوناگونی مثل پاورقی نیست (بشیری و هادوی، 2020) (Bashiri & Hadavi Khalilabad, 2020).

اما توضیح به معنای افزودن اطلاعاتی است که در پی اختلافات فرهنگی و زبانی و اختلاف سطح دانش بین مخاطب متن اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند (مختاری اردکانی، 2007) (Mokhtari Ardekani, 2007).

به عنوان مثال مترجم در متن مورد مطالعه، در عبارت «رُويَ أَنْ صَاحِبًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) يُقَالُ لَهُ هَمَّامٌ كَانَ رَجُلًا عَابِدًا»، برای آشنایی مخاطب با واژه و شخص "همام"، به توضیح آن در پاورقی پرداخته است.

یا در جمله «قَالَ: فَصَعِقَ هَمَّامٌ صَعْفَةً كَانَتْ نَفْسُهُ فِيهَا»، مترجم کلمه "قال" را ترجمه نکرده ولی در ابتدای این عبارت توضیحی را داخل پرانتز ذکر کرده است؛ بدین صورت: (سخن امام که به اینجا رسید) ناگهان همام ناله‌ای زد و جان داد.

در عبارت «وَبِحُكِّ، إِنَّ لِكُلِّ أَجَلٍ وَقْتًا لَا يَعْذُوهُ وَ سَبَبًا لَا يَنْجَاوِرُهُ؛ فَمَهْلًا لَا تُعَدُّ لِمِثْلِهَا، فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ عَلَى لِسَانِكَ»، مترجم پس از اینکه این عبارت ترجمه کرده، اطلاعاتی افزون بر متن اصلی را به متن ترجمه افزوده است: (وای بر تو، هر آجلی وقت معینی دارد که از آن پیش نیفتد و سبب مشخصی دارد که از آن تجاوز نکند. آرام باش و دیگر چنین سخنانی مگو، که شیطان آن را بر زبانت رانده است). همچنین در پاورقی توضیح زیر را نیز آورده است: (آن شخص با تفکرات شیطانی می‌خواست بگوید: آنچه را به همام گفتی واقعیت ندارد و گرنه در جان تو نیز تأثیر می‌کرد، که امام علیه السلام فرمود این سخن از شیطان است، زیرا هر کسی توان و قدرت تحمل خاصی دارد).

3-1-2. معادل فرهنگی یا کارکردی: در این روش، واژه فرهنگی یا کارکردی زبان مبدأ با مشابه آن در زبان مقصد جایگزین می‌شود (نیازی و قاسمی اصل، 2018) (Niazi & Qasemi Asl, 2018).

به اعتقاد برخی از ناقدان معادل فرهنگی، وقتی که واژه فرهنگی متن مبدأ توسط واژه فرهنگی متن مقصد ترجمه می‌شود، یک ترجمه تقریبی است. همچنین می‌توان یک معادل کارکردی را بدان افزود؛ یعنی یک اصطلاح آزاد فرهنگی را به کار برد که کلمه متن مبدأ را خنثی می‌کند یا عمومیت می‌بخشد و گاه واژه خاصی بدان می‌افزاید. در این روش واژه فرهنگی

زبان مبدأ جایگزین واژه‌ای می‌شود که نقش فرهنگی یا کارکرد مشابه‌ای در زبان مقصد دارد. بنابراین این معادل فرهنگی گاه چیزی بر واژه اصلی می‌افزاید یا از آن می‌کاهد (رحیمی آذین، 2020) (Rahimi Azin, 2020).

مترجم در عبارت «فَلَمْ يَفْتَحْ هَمَامٌ بِهَذَا الْقَوْلِ»، به جای ترجمه تحت اللفظی این عبارت، معادل آن را که فارسی زبان‌ها به هنگام اصرار بر یک موضوع استفاده می‌کنند، به کار گرفته است تا برای خواننده فارسی زبان ملموس باشد. از این رو در ترجمه این متن گفته است: اما هَمَام دست بردار نبود.

جملات «فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ»، که به «بر پا ایستاده» و یا «أَصْعَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ» که به «گوش دل به آن می‌سپارند»، ترجمه شده از این قبیل است.

### 3-1-3. اقتباس (معنای نزدیک): به معنی استفاده از معنای نزدیک یا معادل جا افتاده

است و در آن پیامی از طریق موقعیت مشابه انتقال می‌یابد که این شیوه برای ترجمه اصطلاحات یا نهادهای فرهنگی، نافع است (مختاری، 2007) (Mokhtari Ardekani, 2007). به عبارت دیگر اقتباس به معنای مجموعه‌ای از مداخله‌های ترجمه‌ای است، تا آنجا که متن حاصل را غالباً به عنوان ترجمه نمی‌پذیرند ولی در هر صورت نماینده یک متن مبدأ است. به این ترتیب، اقتباس مفاهیم مبهم دیگری از جمله بومی‌سازی (Domestication)، تقلید (Imitation)، دخل و تصرف، بازنویسی (Rewriting) و غیره را دربرمی‌گیرد (هاشمی، 2019) (Hashemi, 2019).

بر این اساس مترجم عبارت «حَاجَاتُهُمْ خَفِيَّةٌ» را به صورت «درخواست‌هایشان اندک» و جمله «يَسْتَنْبِرُونَ بِه دَوَاءَ دَائِهِمْ» را به «داروی درد خود را می‌یابند» برگردان کرده است. در این عبارت يَسْتَنْبِرُونَ: به معنی «استئثار السَّاکِن است؛ یعنی چیز ساکنی را به حرکت در آوردن. مقصود این است که «متقین با قرأت اندیشمندانه قرآن، نیروی فکر خود را که دوی هر دردی است، به حرکت و می‌دارند (صالح، 1991) (Al-Saleh, 1991). اما مترجم آن را به معادلی که برای فارسی زبان‌ها جا افتاده‌تر باشد، به کار برده است.

– مُفْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَ أَكْفَهُمْ وَ رُكْبِهِمْ وَ أَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ: پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده، فَرَشَ به معنای پهن کرد و گسترش داد می‌باشد. ولی اینجا از معادل جا افتاده در زبان مقصد استفاده کرده است.

– فَاذًا مَرُّوا بِأَيَّةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ.... إِذَا مَرُّوا بِأَيَّةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ: وقتی به آیه ای برسند که تشویقی در آن است... هر گاه به آیه‌ای می‌رسند که ترس از خدا در آن باشد: واژه (مر) به معنای (ذهب) است ولی مترجم برای تقریب به ذهن از معادل (رسیدن) استفاده کرده است.

– مُقْبِلًا خَيْرُهُ، مُدْبِرًا شَرُّهُ: (نیکی‌های او به همه رسیده، آزار او به کسی نمی‌رسد) مقبل به معنای روی آورنده و مدبر به معنای پشت کننده است که مترجم از معادل رسیدن و نرسیدن به جای آن استفاده کرده است.

– أَعْقَبْتُهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً: (تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند). طویل به معنای طولانی که از آن تعبیر به جاودانه شده است.

**3-1-4. بسط نحوی:**

این اصطلاح به معنای افزودن یک یا چند کلمه به متن ترجمه بخاطر ضرورت دستور زبان است. گارسس این روش را دقیق نمی‌داند زیرا گاهی به صورت شمی انجام می‌گیرد و گاهی به صورت موردی. (نیازی و قاسمی اصل، 2018) (Niazi & Qasemi Asl, 2018) *أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ*: پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند. در این عبارت مترجم یک جمله محذف در تقدیر گرفته (ویصلون) و آن را ترجمه کرده به (مشغول نمازند).

**3-1-5. قبض نحوی:**

قبض نحوی یا فشرده‌سازی، عکس شیوه فوق است و آن به کاربردن یک واژه زبان مقصد است، در برابر چند واژه زبان مبدأ (مختاری، 2007) (Mokhtari Ardekani, 2007).  
 - *نُزِلْتُ أَنفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ، كَأَلَّتِي نُزِلْتُ فِي الرَّخَاءِ*: و در روزگار سختی و گشایش، حالشان یکسان است.  
 - *عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنفُسِهِمْ فَصَعَّرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ*: خدا در جانشان بزرگ و دیگران کوچک مقدارند.

**3-1-6. عام و خاص (عام در برابر خاص یا برعکس)**

ترجمه لغت خاص (ذات) به عام (معنی) است یا برعکس. این شیوه معمولاً در اقلام بزرگتر از واژه به کار می‌رود اما در مورد واژه هم مصداق دارد. (مختاری، 2007) (Mokhtari Ardekani, 2007). این روش شگردهای بزرگتر از واژه را تحت تأثیر قرار می‌دهد ولی در مورد واژگان نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. (نیازی و همکاران، 2020) (Niazi, Shahriar et al, 2020). این مورد در ترجمه دشتی از خطبه متقین یافت نشد.

**3-1-7. ابهام**

گاهی در ترجمه ابهام پیش می‌آید. بالأخص در زبان های مقصدی که فاقد ضمایر سوم شخص مونث و مذکر می‌باشند که مترجم باید در رفع آن بکوشد. ابهام ممکن است عمدی باشد یا سهوی. اگر عمدی باشد باید آن را در زبان مقصد انتقال داد، اگر سهوی باشد باید آن را برطرف کرد (مختاری، 2007) (Mokhtari Ardekani, 2007). در این زمینه نمونه‌ای یافت نشد.

**3-2. بررسی سطح نحوی- واژه ساختی****3-2-1. ترجمه تحت اللفظی**

نیومارک ترجمه تحت اللفظی واژه به واژه، عبارت به عبارت، همایند (collocation) به همایند، شبه جمله، جمله به جمله، حتی استعاره و ضرب‌المثل به ضرب‌المثل را ممکن و مطلوب می‌داند، گر چه معتقد است که وقتی این شیوه از حد واژه فراتر رود، رفته رفته کار مشکل‌تر می‌شود. (فرهادی، 2018) (Farhadi, 2018).



قَدْ بَرَأَهُمُ الْخَوْفُ بَرِيٍّ الْفِدَاحِ : ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده لاغر کرده است.

با وجود اینکه چه بسا برای نشان دادن لاغری می‌توانست از مثال‌های معادل این عبارت استفاده کند ولی مترجم این کار را انجام نداده و همان مثال متن مبدا را به مقصد منتقل کرده است.

### 2-2-3. تغییر نحو

گاهی مترجم ناگزیر است اجزای کلام را تغییر دهد. اصولاً وقتی ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستور گردانی انجام می‌گیرد که:

اولاً: ساختار دستوری مشابه در زبان مقصد وجود نداشته باشد.

ثانیاً: ترجمه تحت اللفظی امکان‌پذیر باشد، اما طبیعی جلوه نکند.

ثالثاً: خلاء واژگانی موجود با ساخت نحوی جبران پذیر باشد. (مهدی‌پور، 2019)

(Mahdipoor, 2019)

رعایت چنین شیوه‌ای در ترجمه به ویژه میان زبان‌هایی که ساختمان نحوی متمایزی دارند مانند عربی و فارسی، لازم است. مترجم‌های حرفه‌ای و کار بلد و مأنوس به زبان مقصد، ناخودآگاه این شیوه را رعایت می‌کنند، برخلاف مترجمانی که عدم انس آنها با زبان مقصد سبب می‌شود ساختار نحوی زبان مبدا را رعایت کنند و همین امر، در برخی موارد، نوعی گرت‌برداری به شمار می‌آید که میان همه سخن سنجان، امری نادرست و زیان بخش برای زبان مقصد به شمار می‌آید. (هادوی خلیل‌آباد، 2020) (Hadavi Khalilabad, 2020)

- إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ: (که خداوند با پرهیزکاران و نیکوکاران است.) جملات به صورت اسم معنا شده‌اند.
- فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ: (روزی بندگان را تقسیم) واژه معایش جمع است ولی در مقصد به صورت مفرد ترجمه شده است.
- مَشِيئَهُمُ التَّوَّاضِعُ: (راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است.)
- فَهُمْ وَ الْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا، فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ، وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا: (بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده و در نعمت‌های آن به سر می‌برند، و جهنم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده.)
- سُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ: (مردم از آزارشان در امان)
- صَبَرُوا أَيَّاماً قَصِيرَةً، أَعْقَبْنَاهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً: در روزگار کوتاه دنیا صبر کرده تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند.
- أَسْرَتُهُمْ فَفَدَّوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا: می‌خواست آنها را اسیر خود گردانند که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند.
- تَاللَّيْلِ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُّونَهَا تَرْتِيلاً: واژه قرآن در این عبارت مضاف‌الیه است ولی در ترجمه فارسی به صورت مفعولی ترجمه شده است. و واژه ترتیلاً که مفعول مطلق تاکیدی است به صورت تاکیدی ترجمه نشده.
- أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ: (پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند.) در این عبارت واژه اقدام که جمع است به صورت مفرد ترجمه شده.

- مُفْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَ أَكْفِهِمْ وَ رُكْبِهِمْ وَ أَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ: (پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده) اسم‌های جمع در این عبارت همگی به صورت مفرد ترجمه شده‌اند.
- مَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ: (اما آنان را بیماری نیست) از آنجایی که ترجمه تحت اللفظی این عبارت و با این ساختار نحوی در زبان مقصد نامانوس می‌نماید لذا مترجم آن را با ساختار زبان فارسی ترجمه کرده است.
- وَ هُوَ عَلَى وَجَلٍ: (و ترسان است).
- يُمِيسِي وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ وَ يُصِحِّحُ وَ هَمُّهُ الذُّكْرُ: (روز را به شب می‌رساند با سپاسگزاری، و شب را به روز می‌آورد با یاد خدا) جملات اسمیه را به صورت اسم ترجمه کرده.
- حَذِرًا لِمَا حَذَرَ مِنَ الْعَفَلَةِ: (ترس برای اینکه دچار غفلت نشود). فعل مجهول به صورت معلوم ترجمه شده.
- زَهَادَتُهُ فِيمَا لَا يَبْقَى: (آن را ترک می‌کند که پایدار نیست). اسم به صورت فعل و جمله ترجمه شده است.
- الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ: (مردم به خیرش امیدوار، و از آزارش در امانند). مبتدا به صورت متمم ترجمه شده است.
- يَغْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ يُعْطِي مَنْ حَزَمَهُ وَ يَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ: (ستمکار خود را عفو می‌کند، به آن که محرومش ساخته می‌بخشد). عبارت موصول و صله آن را به صورت یک اسم مفرد ترجمه کرده.
- بَعِيدًا فُحْشُهُ، لَيْثًا قَوْلُهُ: (از سخن زشت دور، و گفتارش نرم). مبتدا را به صورت متمم ترجمه کرده.
- لَا يُضَيِّعُ مَا اسْتُحِظُّ وَ لَا يَنْسِي مَا ذُكِّرَ: (آنچه را به او سپرده‌اند ضایع نمی‌سازد، و آنچه را به او تذکر دادند فراموش نمی‌کند). افعال مجهول به صورت معلوم ترجمه شده‌اند.
- وَ إِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ صَبْرٌ: (اگر به او ستمی روا دارند صبر می‌کند). فعل مجهول به صورت معلوم ترجمه شده است.
- أَهْكَذَا تَصْنَعُ الْمَوَاعِظَ الْبَالِغَةَ بِأَهْلِهَا! : (آیا پندهای رسا با آنان که پذیرنده آند چنین می‌کند؟) اسم به صورت جمله ترجمه شده.
- إِذَا رُكِّيَ أَحَدٌ مِنْهُمْ: (هرگاه یکی از آنان را بستایند) جمله مجهول به صورت معلوم معنا شده است.
- النَّهَارَ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءُ أَبْرَارٌ أَنْفِيَاءُ: (دانشمندانی بردبار، و نیکوکارانی با تقوا هستند) ترجمه اسم‌های جمع به مفرد.

### 3-2-3. تغییر مقوله (دیدگاه)

به روشی اطلاق می‌شود که در آن، مفهومی در زبان مبدأ به بیانی دیگر در زبان مقصد بیان می‌شود. این تغییر در نتیجه تغییر در دیدگاه‌ها طرز تلقی نسبت به مفهومی واحد در دو زبان می‌باشد. به این ترتیب کاربرد آن زمانی است که زبان مقصد ترجمه تحت اللفظی را بر نمی‌تابد (مختاری اردکانی، 1997) (Mokhtari Ardekani, 1997).

وینه و داربلنه و وازکه ایورا، بیش از ده مورد تغییر دیدگاه را بر می‌شمارند. از جمله این موارد عبارت است از: بیان اسم ذات به جای اسم معنی، بیان وسیله به جای نتیجه، بیان از طریق یک حس به جای حس دیگر، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت دو بار منفی به عبارت مثبت و برعکس. نیومارک معتقد است که اصولاً عبارت دوبار منفی تأثیر عبارت مثبت را

ندارد و فی الواقع تأثیر آن به لحن و زمینه وابسته است. وقتی خلأ وازگانی وجود داشته باشد، تغییر دیدگاه الزامی است. البته موارد دیگری از تغییر دیدگاه نیز وجود دارد، مثل علایق گوناگون مجاز، کل به جز، جز به کل، حال به محل، ظرف به مظهر، خصوص به عموم، عموم به خصوص، مسبب به سبب، کان و ما یکون، لازم و ملزوم و... (مختاری اردکانی، 1997) (Mokhtari Ardekani, 1997)

- أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوهَا: دنیا می‌خواست آنها را بفریبد اما عزم دنیا نکردند.
- ظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهيقَهَا فِي أُصُولِ آدَانِهِمْ: گویا صدای بر هم خوردن شعله‌های آتش، در گوششان طنین‌افکن است. مترجم یک عبارت جمله فعلیه) را به صورت یک اسم معنا کرده.
- يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسَبُهُمْ مَرَضَى: (کسی که به آنها می‌نگرد می‌پندارد که بیمارند).
- مَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ: (اما آنان را بیماری نیست)
- إِيْمَانًا فِي يَقِينٍ: (دارای ایمانی پر از یقین).
- نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ: (نفس او از دستش در زحمت، ولی مردم در آسایشند).
- لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ وَ خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ: (روح آنان حتی به اندازه بر هم زدن چشم، در بدن ها قرار نمی‌گرفت، از شوق دیدار بهشت، و از ترس عذاب جهنم.
- ( ثواب و عقاب لازمه رفتن به بهشت و یا جهنم است که مترجم به جای آن از نتیجه پاداش و عذاب که رفتن به بهشت و جهنم است در ترجمه استفاده کرده است.

### 3-2-4. جبران

این زیرگروه «به معنای جبران از دست رفتن ویژگی‌های متن مبدأ در ترجمه است. برای این کار با استفاده از شیوه‌هایی غیر از آنچه در متن مبدأ به کار رفته است، تأثیراتی مشابه در متن مقصد ایجاد می‌شود» (بشیری و هادوی، 2020، ص 285) (Bashiri & Hadavi, 2020, p. 285) Khalilabad, 2020, p. 285)

مثل جبران یکی از صنایع معنوی یا لفظی دیگر-ترجمه استعاره با تشبیه « اکفا» یا قافیه با « جناس استهلالی» گارسس معتقد است که این شیوه را باید همراه با شیوه‌های دیگر به کار گرفت (نیازی و قاسمی اصل، 2018) (Niazi & Qasemi Asl, 2018).

از این مورد نمونه‌ای در ترجمه مذکور یافت نشد.

### 3-2-5. بسط معنی

در این تکنیک معنای بخشی از متن که نیاز به تصریح در متن مقصد دارد، بسط پیدا می‌کند (هاشمی، 2019) (Hashemi, 2019, p. 152).

برای مثال در زبان عربی واژه‌های فراوانی برای شتر وضع شده است و مترجم در ترجمه فارسی ناگزیر از بسط معناست. مثالی که برای توضیح و بسط معنا می‌توان بیان کرد مانند: کلمه «جداً»: (بله، واقعاً) ترجمه شده به طوری که آوردن واژه «بله» برای تأکید و توضیح معنی است (مهدی پور، 2019) (Mahdipoor, 2019).

تغییراتی که در ترجمه صورت می‌گیرد تنها به کلمه و ساختار متن مبدأ مربوط نمی‌شود بلکه تغییراتی در سطحی وسیع‌تر از کلمه و ساختار را نیز در بر می‌گیرد. پوپویچ (1971) مفهوم

تغییر را در سطحی وسیع‌تر تعریف می‌کند. وی بیشتر به ترجمه ادبی نظر دارد، می‌گوید در ترجمه آنقدر جرح و تعدیل یا دخل و تصرف صورت می‌گیرد که انسان گاه در اعتقاد خود به ممکن بودن ترجمه تردید می‌کند. این تغییرات و جرح و تعدیلها از نظر پوپویچ در نتیجه تمایل مترجم به تغییر متن اصلی، یا در نتیجه بی‌دقتی، بی‌اطلاعی و بی‌سوادی مترجم ایجاد نمی‌شود، بلکه حاصل تلاش آگاهانه مترجم است برای بازآفرینی هرچه وفادارانه‌تر متن اصلی در کلیت آن. یکی از تغییراتی که در این حوزه صورت می‌گیرد تصریح می‌باشد؛ تصریح وقتی صورت می‌گیرد که اطلاعات متن مبدأ با صراحت و وضوح بیشتری به ترجمه انتقال می‌یابد. مترجم گاه توضیحی به متن می‌افزاید، یا مقصود گوینده را که به اشاره بیان شده آشکار می‌کند، یا از حرف ربط استفاده می‌کند تا ارتباط منطقی روشن‌تری بین اجزاء جملات برقرار کند. این نوع تغییر عموماً بر رعایت حال خواننده ترجمه صورت می‌گیرد (فرهادی، 2018) (Farhadi, 2018) از جمله مواردی که مترجم در متن مقصد افزوده می‌توان به مواردی که زیر آنها خط کشیده اشاره کرد:

- حَتَّىٰ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ: که گویا آنان را با چشم می‌نگرم.
- مَشِيئُهُمُ التَّوَّاضُعُ: راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است.
- صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً، أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً: در روزگار کوتاه دنیا صبر کرده تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند.
- تَالَيْنَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلاً: قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می‌خوانند.
- رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا: با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند.
- وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ: هر گاه به آیه ای می‌رسند که ترس از خدا در آن باشد.
- يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فِكَالِكِ رِقَابِهِمْ: و از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می‌طلبند.
- قَدْ بَرَأَهُمُ الْخَوْفُ بَرِي الْقِدَاحِ: ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده لاغر کرده است.
- وَ لَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ: در صورتی که آشفتگی ظاهرشان، نشان از امری بزرگ است.
- لَا يَسْتَكْبِرُونَ الْكَثِيرَ: اعمال زیاد خود را بسیار نمی‌شمارند.
- أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ: نفسشان عقیف و دامنشان پاک است.
- فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ وَ حَزْمًا فِي لَيْلٍ: و از نشانه‌های یکی از پرهیزکاران این است که او را اینگونه می‌بینی: در دینداری نیرومند، نرمخو و دور اندیش است.
- مَيِّتَةً شَهْوَتْهُ: شهوتش در حرام مرده.
- إِنَّ كَانَ فِي الْعَافِلِينَ كُتِبَ فِي الذَّاكِرِينَ: اگر در جمع بی‌خبران باشد نامش در گروه یاد آوران خدا ثبت می‌گردد.
- فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: شخصی رسید و گفت.

### 3-2-6. تلویح، تقلیل و حذف

عکس مورد قبل است، یعنی عناصری که در متن اصلی تصریح شده می‌توان به تلویح بیان کرد یا کاهش داد و یا به طور کلی حذف کرد (نیازی و قاسمی اصل، 2018) (Niazi & Qasemi Asl, 2018)

- از جمله مواردی که در متن مبدا موجود بوده ولی در ترجمه حذف شده می‌توان به کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده است اشاره کرد:
- فَفَسَّمْ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ وَ وَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ : (روزی بندگان را تقسیم، و هر کدام را در جایگاه خویش قرار داد).
  - غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَ وَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ : (چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده می‌پوشانند، و گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند).
  - لَمْ تَسْتَوِرْ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ: (روح آنان حتی به اندازه بر هم زدن چشم، در بدن‌ها قرار نمی‌گرفت).
  - فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ: دیگران کوچک مقدارند.
  - تِجَارَةٌ مُرَبِحَةٌ يَسَّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ : پروردگارشان فراهم فرموده.
  - أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ، تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْفُرَّانِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا: پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می‌خوانند.
  - ظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَبِيقَهَا فِي أُصُولِ آذَانِهِمْ: گویا صدای بر هم خوردن شعله‌های آتش، در گوششان طنین افکن است).
  - مُغْتَرِّشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَ أَكْفَهُمْ وَ رُكْبِهِمْ وَ أَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ: پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده.
  - وَ أَمَّا النَّهَارُ فَخُلَمَاءُ عُلَمَاءَ أَهْلِ بَرَاءٍ أَنْفِيَاءُ: پرهیزکاران در روز، دانشمندی بردبار، و نیکوکارانی با تقوا هستند.
  - اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ: گناهانی که نمی‌دانند ببامرز.
  - حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَنْتَقِمُ لَهُ: تا خدا انتقام او را بگیرد.
  - النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ: مردم در آسایشند.

### 3-3. سطح گفتمانی \_ کارکردی

#### 3-3-1. حذف منظور متن اصلی

گاهی ممکن است در ترجمه چنان تغییری حاصل شود که مقصود نویسنده تغییر کند، مثلا یک متن طنزآمیز تبدیل به متنی سرگرم کننده شود (مختاری اردکانی، 1997) (Mokhtari Ardekani, 1997)

اما از آنجایی که متن نهج البلاغه یک متن خاص به شمار می‌رود که انتقال محتوای آن به نزدیکترین شکل ممکن به قصد امیرالمومنین ع مهم می‌نماید لذا مترجم سعی داشته منظور متن اصلی را حفظ نماید و این ویژگی در ترجمه دشتی یافت نمی‌شود و این جز مزیت‌های ترجمه است.

#### 3-3-2. حذف حواشی

حذف حواشی عبارت است از حذف پانوشتها، پیشگفتارها، ضمیمه‌ها، مقدمات، مؤخرات، توضیحات، کتابشناسی، استدراکات، فهرست، اعلام و ... که در ترجمه از زبان‌های دیگر به فارسی بسیار رایج است (مختاری اردکانی، 1997) (Mokhtari Ardekani, 1997).

این مورد در ترجمه دشتی از خطبه متقین یافت نشد.

### 3-3-3. تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی

واژه‌ها، اصطلاحات و گاهی جملات کاربردی خاص یک زبان در زبان دیگر کاربردی ندارد و معنی آنها نیز پیام‌رسان نیست، یا به شکلی دیگر و درهم آبی با اصطلاحات خاص، مبین معنی می‌شود. لذا باید از معادل کاربردی آنها استفاده کرد (مهدی پور، 2019) (Mahdipoor, 2019)

نیو مارک پانزده روش را بر حسب زمینه برای ترجمه فرهنگ پیشنهاد کرده که گارسس آن‌ها را برای بررسی تغییرات متن به دلیل مسائل فرهنگی عیناً مورد استفاده قرار داده است (نیازی و قاسمی اصل، 2018) (Niazi & Qasemi Asl, 2018). از جمله آن‌ها عبارتند از: انتقال واژه فرهنگی به ترجمه، استفاده از معادل فرهنگی، زدودن بار فرهنگی واژه، یعنی استفاده از معادل توصیفی، ترجمه تحت اللفظی، بومی کردن واژه فرهنگی، حذف، استفاده از واژه پذیرفته شده و معیار، توضیح دادن، حاشیه زدن و غیره، استفاده از اسمی که بیانگر نوع است (مختاری اردکانی، 1997) (Mokhtari Ardekani, 1997).

نمونه‌ای این مورد در ترجمه دشتی از خطبه متقین یافت نشد.

### 3-3-4. تغییر لحن

حفظ لحن یکی از ارکان مؤثر ارتباطی است و باید از طریق زمان، وجه، بنا، واژگان و نحو آن را حفظ کرد (نیازی و قاسمی اصل، 2018) (Niazi & Qasemi Asl, 2018) بنابراین پیدا کردن لحن مناسب از وظایف بی چون و چرای مترجم است، و به کمک همین برداشت‌های ذهنی از متن اصلی است که صورت می‌گیرد. وگرنه این قسمت از کار را نادیده گرفتن و به جانشینی معادل بسنده کردن کاری است که از عهده ماشین هم برمی‌آید (هادوی خلیل آباد، 2020) (Hadavi Khalilabad, 2020)

نمونه‌ای این مورد در ترجمه دشتی از خطبه متقین یافت نشد.

### 3-4. سطح سبکی- عملی

#### 3-4-1. بسط خلاقه

منظور از بسط خلاقانه عبارت است از تغییراتی که مترجم مطابق ذوق و پسند خود به وجود می‌آورد. مترجم ممکن است سبکی را برگزیند که « برای او طبیعی‌تر است یا میل او را اقناع می‌کند» بسط خلاق‌ها ترجمه خلاق، به معنای ایجاد تغییرات وسیع در متن مقصد، بدون در نظر گرفتن اندوخته‌های زبانی، ویژگی‌های ساختی و پیام متن مبدأ است. در این شیوه مترجم کاملاً مطابق میل خویش و نه براساس اقتضانات زبان مبدأ و مقصد فرآیند ترجمه را انجام می‌دهد. (نیازی و قاسمی اصل، 2018) (Niazi & Qasemi Asl, 2018)

در این شیوه مترجم آزادانه واژه‌ها یا عباراتی را در ترجمه استفاده می‌کند که همتای آنها در متن اصلی وجود ندارد. دلیل بسط دادن متن ترجمه از سوی مترجم ممکن است به منظور ساده‌سازی متن، شفاف‌سازی عبارت ناآشنای مقید به فرهنگ، و یا عدم توانایی مترجم در ارائه مختصرترین معادل موجود باشد (سیدجلالی و دیگران، 2017) (Seyed Jalal, et al, 2017).

بسط خلاقه ممکن است در ترجمه متون ادبی و غیر ادبی اعمال شود که کاربرد این نوع تکنیک از نظر گارسس امری منفی است (فرهادی، 2018) (Farhadi, 2018)

- فَلَمْ يَفْتَعْ هَمَّامٌ بِهَذَا الْقَوْلِ: مترجم یک فعل را با دو جمله ترجمه کرده: اَمَّا هَمَّامٌ دَسْتَبْرَدَارٌ نَبُوْدُ و اصرار ورزید.

- حَتَّى عَزَمَ عَلَيْهِ: ضمیر را در عبارت توضیح داده است: تا آن که امام علیه السلام تصمیم گرفت صفات پرهیزکاران را بیان فرماید.

### 3-4-2. اشتباه مترجم

اشتباه مترجم ناشی از بد فهمی یا کم دانی مترجم در زبان مبدأ و مقصد یا موضوع ترجمه است. متأسفانه در ایران از این نوع مترجمان فراوان داریم و کمتر مترجمی است که در هر سه رشته توانا باشد. همانطور که ماک گوایر خاطر نشان ساخته است؛ چون زبان بیانگر فرهنگ است، مترجم باید دو فرهنگ باشد نه دوزبانه. (مختاری اردکانی، 1997) (Mokhtari Ardekani, 1997)

- وَ لَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَقِّ: (و در کار ناروا دخالت نمی‌کند، و از محدوده حق خارج نمی‌شود.)

واژه یدخل به معنای وارد شدن است که ادامه جمله و فعل یخرج این معنا را تقویت می‌کند ولی مترجم از آن به (دخالت کردن) تعبیر نموده است که چون در زبان فارسی واژه دخالت کردن بار معنایی متفاوتی از وارد شدن دارد لذا به نظر می‌رسد که اگر از معنای (وارد نمی‌شود) استفاده می‌کرد بهتر بود.

### 3-4-3. حفظ اسامی خاص

منظور از حفظ اعلام آن است که گاهی باید اسم خاص را ترجمه کرد، و یا اینکه گاهی باید مستقیماً انتقال داد و در مواردی باید به همراه معنی یا توضیح آورد (مختاری اردکانی، 1997) (Mokhtari Ardekani, 1997)

- ظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهِيْقَهَا فِيْ اَصْوَلِ اَدَانِهْمُ: گویا صدای بر هم خوردن شعله‌های آتش، در گوششان طنین‌افکن است.

در این عبارت واژه جهنم اسم خاص است ولی مترجم آن را به «آتش» که یکی از ویژگی‌ها موجود در آن است ترجمه کرده.

### 3-4-4. حفظ ساختار خاص متن مبدأ

گاهی به دلایل مختلف ممکن است مترجمان جادوی نحو زبان مبدأ شوند و آن را در زبان مقصد منعکس کنند که از جمله موارد منفی در ارزیابی ترجمه است (نیازی و قاسمی اصل، 2018) (Niazi & Qasemi Asl, 2018)

نمونه‌ای این مورد در ترجمه دشتی از خطبه متقین یافت نشد.

### 3-4-5. بیان نامناسب در متن مقصد

بر هر اصطلاح 5 جنبه مختلف معنایی مترتب است و هر یک در انتخاب معادل مناسب تکلیفی را متوجه مترجم می‌نماید این 5 جنبه عبارتند از: معنای مجازی، معنای تحت اللفظی، ویژگی عاطفی، خصوصیات سبکی، رنگ و بوی ملی و قومی. (کومیساروف، 2009) (Komissarov, 2009)

هر یک در انتخاب معادل مناسب قیودی را بر مترجم تحمیل می‌نماید و مترجم باید آنها را مدنظر قرار دهد (کومیساروف، 2009) (Komissarov, 2009). نمونه‌ای این مورد در ترجمه دشتی از خطبه متقین یافت نشد.

### 3-4-6. شرح و بسط در ازای ساده سازی

پرگویی یا ترجمه آزاد آخرین چاره مترجم است توری (Toury) بدان شیوه (paraphrase) می‌گوید و خاطر نشان می‌سازد که، همیشه مرز میان این پدیده (که شامل بسط قابل ملاحظه متن اصلی می‌شود و افزایش عام، مشخص نیست) «مختاری اردکانی، 2007، ص 29) (Mokhtari, 2007, P.29). نمونه‌ای این مورد در ترجمه دشتی از خطبه متقین یافت نشد.

### 3-4-7. تغییر در صناعات بالاخص استعاره

مترجم باید تشخیص دهد که چه تعداد استعاره را نگاه دارد؛ چه تعداد را حذف نماید و چه تعداد را تغییر دهد (مختاری اردکانی، 2007) (Mokhtari Ardekani, 2007).  
 نُزِلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ، كَأَلَّتِي نُزِلَتْ فِي الرَّخَاءِ: و در روزگار سختی و گشایش، حالشان یکسان است.

مترجم در این عبارت تشبیه موجود در متن مبدا را ترجمه نکرده و به نوعی این صنعت ادبی را حذف کرده است.

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی ترجمه دشتی از خطبه متقین از منظر سطوح چهارگانه الگوی گارسس پرداخته و بدین نتیجه رسید که ترجمه دشتی از این خطبه توانسته بسیاری از ویژگی‌های مثبت در ترجمه را بدست آورد. به طوری که در ترجمه سعی داشته مخاطب زبان مقصد را در نظر داشته باشد و ترجمه را با توجه به آن روان گرداند. از این رو می‌بینیم که در سطوح تغییر نحو، تغییر دیدگاه و بسط معانی بیشترین تغییر را ایجاد کرده تا متن هر چه بیشتر از ساختار متن مبدأ فاصله گرفته و به زبان مقصد نزدیک شود. و از دیگر سو طبق آنچه که در مقاله گذشت می‌بینیم که در سطوحی چون بیان نامناسب در متن مقصد، حفظ ساختار خاص متن مبدا، تغییر لحن، حذف منظور متن اصلی، که می‌تواند نشانگر ویژگی منفی یک ترجمه باشد، هیچ نمونه‌ای یافت نشد. لذا می‌توان گفت که ترجمه ایشان از معیار مقبولیت برخوردار است و کیفیت بالایی دارد.

### منابع:

ابن ابی‌الحدید معتزلی و عبدالحمید بن هبه الله. (1983). شرح نهج البلاغه (ط2). بتحقیق محمدابوالفضل ابراهیم. قم: دار احیاء الکتب العربیة، منشورات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.



افضلی، علی و رحیم العنابی و اکرم مدنی. (2024). ارزیابی کیفی مقصدگرایی در ترجمه داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ بر اساس نظریه ژان رنه لادمیرال. *مجله کلیات اللغات*، شماره 50، صص 191-212.

بشیری، علی و زهرا هادوی خلیل آباد. (2020). نقد ترجمه رمان «فرانکشتاین فی بغداد» نوشته احمد سعداوی براساس نظریه گارسس. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، دانشگاه علامه طباطبائی، دوره 10، ش 23، صص 271-304.

حاجی زاده مهین و پروین فرهادی و رعنا فرهادی، (2019)، نقد و ارزیابی ترجمه محمد دشتی از نهج البلاغه براساس مدل گارسس (مطالعه موردی: ترجمه خطبه اول و حکمت‌های 2 تا 20)، *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، سال 9، شماره 21، صص 9-43.

رحیمی آذین، مرضیه. (2020). *ارزیابی مقابله‌ای کیفیت ترجمه‌های فارسی سوره‌های «نبا، تکویر، مطفین» براساس الگوی گارسس (موردکامی ترجمه‌های: مجتبیوی، فولادوند، آیتی، صفارزاده، زمانی)*. رساله دکتری، دانشگاه بوعلی سینا.

زرمحمدی، سعید. (2023). *ارزیابی ترجمه عناصر فرهنگی در نهج البلاغه با تکیه بر الگوی بیتیر نیومارک: مطالعه موردی ترجمه‌های دشتی، شهیدی و فولادوند*. رساله دکتری، دانشگاه تهران.

سید جلالی، بدری السادات، مدرس خیابانی، شهرام، کریمی بهبهانی، سید محمد. (2017). *تحلیل کیفیت ترجمه ادبی با رویکرد نقش‌گرای ارزیابی ترجمه: مطالعه موردی ترجمه‌های فارسی رمان فرنی و زویی اثر جی. دی. سلینجر*. *دو ماهنامه علمی- پژوهشی جستارهای زبانی*، دوره 8، شماره هفتم، صص 159-182.

الرضی، شریف. (2000). *نهج البلاغه (چاپ دوم)*. ترجمه: محمد دشتی، قم: موسسه انتشارات مشهور.

الصالح، صبحی. (1991). *فرهنگ نهج البلاغه*. ترجمه: مصطفی رحیمی نیا. تهران: انتشارات اسلامی.

فرهادی، رعنا. (2018). *بررسی ترجمه‌های قرآن کریم بر اساس مدل گارسس (مطالعه موردی: سوره‌های الطور، الحاقه و البلد در ترجمه‌های بهاء‌الدین خرمشاهی، طاهره صفارزاده و محمود حسن شیخ‌الهند)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

فرهمندهارمی، فروغ. (2023). *ترجمه اسلوب مبالغه در نهج البلاغه بر اساس نظریه تغییرات صوری کنفورد (مطالعه موردی ترجمه شهیدی و فولادوند)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خلیج فارس.

کومیساروف، ویلن. (2009). ارزش کاربردی اصول و مبانی ترجمه، ترجمه و اقتباس: غفار تجلی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره چهارم، ش 2. صص 101-114.

گرگی زهره و رقیه رستم پور ملکی. (2021). نقد ترجمه فارسی منتخب آثار جبران در کتاب «حتمًا روح» بر پایه مدل نظری گارسس، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره 11، ش 24، صص 146-182.

متقی زاده عیسی و علی حاجی خانی و سمیه مدیری. (2021). ارزیابی کیفیت ترجمه حکمت‌های نهج البلاغه با تکیه بر مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی ترجمه شهیدی و دشتی)، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ش 2، صص 53-87.

مختاری اردکانی، محمدعلی. (2007). استعاره ترجمه، مجموعه مقالات در مورد ترجمه، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.

..... (1997). چارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه. مجله مترجم، ش 3، صص 50-58.

مهدوی مهر، زهرا. (2022). بررسی تطبیقی ترجمه ساخت‌های اطلاعی نشاندار در ترجمه‌های نهج البلاغه با رویکرد نقش‌گرا، رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی.

مهدی پور، فاطمه. (2019). نقد و بررسی ترجمه‌های حداد عادل، معزی و انصاریان در جزء‌های 29 و 30 بر اساس الگوی کارمن گارسس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قرآنی خوی.

نیازی، شهریار و دیگران. (2020). بررسی کارآمدی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه قرآن) مطالعه موردی ترجمه مکارم شیرازی، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، شماره 13.

نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب. (2018). الگوهای ارزیابی ترجمه با تکیه بر زبان عربی، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات.

هادوی خلیل آباد، زهرا. (2020). نقد ترجمه‌های حبیب الله عباسی بر اساس نظریه گارسس (مطالعه موردی: ترجمه کتاب‌های اتجاهات الشعر العربي المعاصر نوشته احسان عباس والصوفیة و السوربالیة نوشته ادونیس)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان.

هاشمی، انسیه سادات. (2019). مطالعه تطبیقی کارآمدی الگوهای گارسس و برمن در نقد ترجمه قرآن، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

---

## References

- Afzali, Ali and Rahim al-Atabi and Akram Madani. (2024). Qualitative evaluation of destinationism in the translation of Najib Mahfouz's short stories based on the theory of Jean-René Ladmiral. *Journal of The Colleg of Languages*, Baghdad, No. 50, pp. 191-212.
- Bashiri, Ali and Zahra Hadavi Khalilabad. (2020). Critique of the Translation of the Novel Frankenstein in Baghdad, by Ahmed Saadawi Based on the Garsés Theory. *Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, Allameh Tabataba'i University, Vol. 10, No. 23, pp. 271-304.
- Farahmand Harmi, Forough. (2023). *Translation of Exaggeration Style in Nahj al-Balagha Based on Catford's Formal Shifts Theory (Case Study of Translations by Shahidi and Fooladvand)*, Master's thesis, Persian Gulf University.
- Farhadi, Rana. (2018). *Review of Qur'an Translations Based on the Garsés Model (Case Study: Surahs Al-Tur, Al-Haqqah, and Al-Balad in Translations by Bahauddin Khoramshahi, Tahereh Safarzadeh, and Mahmoud Hasan Sheikh-ul-Hindi)*, Master's thesis, Shahid Madani University of Azerbaijan.
- Gorji, Zahra and Roghayeh Rostampour Maleki. (2021). Critique of the Persian Translation of Selected Works of Gibran in the Book Spirit Bath Based on the Garsés Model, *Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, Vol. 11, No. 24, pp. 146-182.
- Hadavi Khalilabad, Zahra. (2020). *Critique of Habibollah Abbasi's Translations Based on Garsés' Theory (Case Study: Translation of \*Directions of Contemporary Arabic Poetry by Ihsan Abbas and Sufism and Surrealism by Adonis)*, Master's thesis, Kashan University.
- Haji Zadeh, Mahin, Parvin Farhadi, and Rana Farhadi. (2019). Critique and Evaluation of Muhammad Dashti's Translation of Nahj al-Balagha Based on the Garsés Model, (Case Study: Translation of Sermon 1 and

---

Wisdoms 2-20), *Semi-annual Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, Vol. 9, No. 21, pp. 9-43.

Hashemi, Aniseh Sadat. (1398). *Comparative Study of the Efficiency of Garsés and Berman Models in the Critique of the Qur'an Translation*. Ph.D. dissertation, University of Tehran.

Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hibat Allah. (1983). *Sharh Nahj al-Balagha*. edited by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim. Qom: Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyya, Ayatollah Marashi Najafi Library Publications, 2nd edition.

Komissarov, Villen. (2009). The Practical Value of Translation Principles and Basics, translated and adapted by Ghafar Tajalli. *Journal of Social and Human Sciences of Shiraz University*, Vol. 4, No. 2, pp. 101-114.

Mahdavi Mehr, Zahra. (2022). *Comparative Study of Marked Information Structures in Nahj al-Balagha Translations with a Functional Approach*. Ph.D. dissertation, Kharazmi University.

Mahdipoor, Fatemeh. (2019). *Critique of Haddad Adel, Moezzi, and Ansarian Translations of Parts 29 and 30 Based on Carmen Garsés' Model*. Master's thesis, Faculty of Quranic Sciences, Khoy.

Mokhtari Ardekani, Mohammad Ali. (2007). *Translation Metaphor, a collection of articles on translation*. Kerman: Shahid Bahonar University of Kerman Press, 1st edition.

Mokhtari Ardekani, Mohammad Ali. (1997). A Theoretical Framework for Translation Evaluation. *Translator Journal*. No. 3, pp. 50-58.

Motaghizadeh, Isa, Ali Hajikhani, and Somayeh Modiri. (2021). Evaluation of the Quality of Nahj al-Balagha Wisdom Translations Based on Carmen Garsés' Model (Case Study: Shahidi and Dashti Translations), *Comparative Literature Research*, No. 2, pp. 53-87.

- Niazi, Shahriar et al. (2020). Evaluation of Garsés' Model in Assessing the Translation of the Qur'an (Case Study of Makarem Shirazi's Translation). *Scientific-Research Biannual Journal of Quran and Hadith Studies*, No. 13.
- Niazi, Shahriar and Qasemi Asl, Zeinab. (2018). *Translation Evaluation Models with Emphasis on Arabic Language*, Tehran: University of Tehran, Publishing Institute.
- Rahimi Azin, Marzieh. (2020). *Comparative Evaluation of the Quality of Persian Translations of Surahs Naba, Takwir, and Mutaffifin Based on the Garsés Model (Case Study of Translations by Mojtabavi, Fooladvand, Ayati, Safarzadeh, and Zamani)*. Ph.D. dissertation, Bu Ali Sina University.
- Razi , Sharif. (2000). *Nahj al-Balagha*(2nd edition). translated by Muhammad Dashti. Qom: Mashhoor Publishing Institute.
- Al-Saleh, Subhi. (1991). *Nahj al-Balagha Dictionary*. translated by Mostafa Rahimi Nia. Tehran: Islamic Publications.
- Seyed Jalali, Badri Al-Sadat, Madras Khiyabani, Shahram, and Karimi Behbahani, Seyed Mohammad. (2017). Analysis of Literary Translation Quality with a Functional Approach: Case Study of Persian Translations of Franny and Zooey by J.D. Salinger. *Scientific-Research Bimonthly Journal of Linguistic Studies*, Vol. 8, No. 7, pp. 159-182.
- ZarMohammadi, Saeed. (2023). *Evaluation of Cultural Elements in Nahj al-Balagha Translations Based on Peter Newmark's Model: A Case Study of Translations by Dashti, Shahidi, and Fooladvand*. Ph.D. dissertation, University of Tehran.

## دراسة خطبة المتقين في نهج البلاغة على نظرية غارسيس (ترجمة دشتي انموذجا)

اعزت ملابراهيمي ،<sup>2</sup> طالبة الماجستير فاطمة رشيدي راوندي  
جامعة طهران / كلية الآداب والعلوم الانسانية / قسم اللغة العربية و آدابها

### المستخلص

يعد نهج البلاغة من النصوص الدينية القيمة، والتي كانت دائما محط اهتمام المترجمين الإيرانيين لعمق مفاهيمها، وبسبب مستواها الأدبي العالي، واجهت المترجمين تحديات. ومن الواضح أنه في عملية الترجمة، بالإضافة إلى العوامل اللغوية للنص، تلعب عناصر النص الوصفي الموجهة نحو السياق دوراً مهماً. ومن بين العناصر ما وراء النص التي تم بحثها في مجال دراسات الترجمة، العناصر الثقافية والأيدولوجية التي يتضمنها نص نهج البلاغة. وبما أن نموذج كارمن غارسيس يعتبر من أهم النماذج في تقييم جودة الترجمة، فإن البحث الحالي يهدف أولاً إلى التعريف بمبادئ وأسس هذا النموذج باستخدام المنهج الوصفي التحليلي وباستخدام النموذج المقترح في نظرية غارسيس ثم تحليل وتقييم ترجمة دشتي لخطبة المتقين من نهج البلاغة باستخدام هذا المنهج وتحليل نوعية وطريقة نقل العناصر ما وراء النص مثل الثقافة والأيدولوجية من اللغة المصدر وتمثيلها في اللغة الهدف من قبل المترجم في هذه الخطبة. تظهر نتائج هذا البحث أن المترجم أخذ في الاعتبار اللغة الهدف في الترجمة وحاول جعل النص المصدر سلساً والعناصر الثقافية والأيدولوجية مفهومة للجمهور الإيراني من خلال استراتيجيات فعالة مثل التغيير النحوي والتوسع الدلالي وتغيير المنظور يعطي ومن ناحية أخرى، تجنب العوامل التي لها تأثير سلبي على الترجمة، مثل التعبير غير المناسب في النص الهدف، والحفاظ على البنية المحددة للنص المصدر، وتغيير اللهجة، وإزالة معنى النص الأصلي. ولذلك يمكن القول أن ترجمة دشتي لخطبة متقي هي ترجمة موجهة نحو الوجهة وذات نوعية جيدة نسبياً.

**الكلمات الدالة:** الترجمة، نهج البلاغة، خطبة المتقين، نظرية غارسيس، ترجمة دشتي.